

تحلیل کارکردگرایانه نهاد مهریه در حقوق ایران و فقه امامیه

چکیده

«مهریه» سنتی است که مرد در هنگام ازدواج، مالی را برای زن یا پدر زن خویش قائل می‌شده است. پرداخت مهریه از سوی مرد به زن، یک سنت کهن اجتماعی و عرفی تبدیل شده است که شریعت اسلام، ضمن تأیید و صحه گذاشتن بر آن، جهت آن را مشخص و ارزش‌گذاری نموده است. مهریه دارای کارکردهای مختلفی در فقه امامیه و حقوق ایران است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف تحلیل کارکردگرایانه از مهریه در فقه امامیه و حقوق ایران انجام شد. در این راستا، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای استفاده شد. در این پژوهش، انواع مهریه در فقه و حقوق ایران، ماهیت مهریه در فقه، شرایط مهریه، و کارکرد مهریه در فقه امامیه و حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در فقه امامیه مهریه به عنوان شبه معاوضه و نیز غیرقابل معاوضی بودن مطرح است. در حقوق ایران، مهریه بیشتر کارکردهای پوشش ریسک نفقه، پوشش ریسک انحلال بنگاه خانواده به موجب طلاق، جبران نقص ارث زوجه و فقر زوجه پس از مرگ شوهر، پوشش ریسک از بین رفتن عشق و انحصار، پوشش ریسک حضانت فرزند (ان)، ارزش معنوی مهر به عنوان احترام به زوجه و مزد فعالیت‌های زوجه در دوران زوجیت مطرح است. **کلیدواژه‌ها:** مهریه، کارکرد، نهاد مالی، مالیت داشتن، مهرالمسمی.

مقدمه

تشکیل خانواده از رهگذر ازدواج امری است گریزناپذیر برای ماندگاری بشر و حیات بشر؛ چندان که نبود آن یا حتی کمبود آن جهان انسانی را مواجه با تهدید می‌سازد، تهدیدی که پیامد حداقلی آن معضل عدم افزایش جمعیت انسانی خواهد بود. خانواده با رابطه ازدواج شکل می‌گیرد و رابطه ازدواج تنها یک رابطه عاطفی، اجتماعی و خانوادگی نیست بلکه روابط از جمله اصول و ستون‌های ازدواج محسوب می‌شود (آنیسیموف، التانسکایا و اینشاکووا، ۲۰۲۳، ص ۲۱۵).

قانونگذاران در کشورهای مختلف با توجه به زمینه‌های عرفی یا مذهبی برای روابط مالی بعد از ازدواج قوانین و مقررات خاصی پیش‌بینی کرده‌اند که در قالب حقوق خانواده موضوعیت دارد روابط مالی که بعد از عقد ازدواج در رابطه با دو شریک و دو همسر بوجود می‌آید، تحت یک ضوابط و مبانی خاص حقوقی قرار می‌گیرد (بلوال و آل‌هاشمی، ۲۰۲۰، ص ۳۱۷).

یکی از مهمترین حقوق مالی زن در ازدواج مهریه است، که به عنوان یک نهاد مالی برای زن تعریف می‌شود. مهریه اصولاً تابع توافق طرفین است و طبق تعریفی می‌توان مهریه را مال دانست که در زمان عقد توسط طرفین (زوجین) یا شخص ثالث تعیین می‌شود و به محض وقوع عقد ازدواج زن مالک مهر می‌گردد. از جمله شرایط صحت مهریه این است که مهریه مالیت داشته باشد. در قانون مدنی ایران، قانونگذار تعریفی از مهر ارائه ننموده، فقط در ماده ۱۰۸۲ ق.م.آ آمده است: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». مهریه از حقوق مسلم مالی زن محسوب شده و زن در هر زمان بعد از عقد و به صلاحدید خود و بدون اطلاع و اجازه مرد می‌تواند در مهریه خود هر نوع تصرفی اعم از انجام معاملات، خرید و فروش، سرمایه‌گذاری و ... انجام دهد یا آن را به هر کسی که می‌خواهد ببخشد و شوهر حق مداخله در این‌گونه تصرفات زن را ندارد (بیرانوند و کاظمی، ۱۴۰۲، ص ۲؛ خفایی، ۱۴۰۲، ص ۴).

سنت مهریه نیز، همانند سایر سنت‌های اجتماعی، طی دوران مختلف دچار تغییرات مختلفی شده است؛ در برخی از کشورها دیگر مهریه موضوعیت ندارد اما در کشورهای اسلامی همچنان مهریه جزو حقوق مالی زوجه است. اما مسئله‌ای که چندان مورد توجه واقع نشده است موضوع ماهیت و کارکردهای مهریه است. با توجه به این که قوانین ایران، از شریعت اسلام و فقه شیعه (امامیه) سرچشمه گرفته است بنابراین کارکردهایی که در اسلام برای مهریه ذکر شده تا

حدودی با کارکردهای آن در عرف متفاوت است چرا که نگاه عرفی و متعارف هر زمان تحت تأثیر عوامل خاص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاستگذاری و تغییرات مختلف قرار می‌گیرد که گاهی اوقات با دیدگاه شرع هماهنگی ندارد. بطور مثال در شرع، مهریه نشان صداقت و دوستی مرد به زن است اما در نگاه عرف، مهریه نشان تفاخر و منزلت زن گردیده است. به نظر میرسد اساساً موضوع کارکردهای چندگانه مهریه در قانون و فقه امامیه چندان مورد بررسی و تأمل از ابعاد مختلف قرار نگرفته است از طرف دیگر، آزادی افراد در انتخاب و تصمیم‌گیری برای ازدواج و عقد انواع قراردادهای یا توافقات قبل یا پس از ازدواج کارکردهای مهریه را بیش از پیش نیازمند بررسی و تدقیق نموده است. بنابراین آنچه انجام پژوهش حاضر را ضروری می‌کند تأمل در تغییرات کارکردهای مهریه با توجه به تغییرات اجتماعی-اقتصادی جامعه است که قانونگذار را در مراحل متوالی وادار کرده تا در مورد میزان مهریه، نحوه پرداخت، یا مجازات ناشی از عدم پرداخت آن اقدام به بازنگری و تصحیح نماید. پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که گردآوری اطلاعات در آن به صورت کتابخانه‌ای، مطالعه اسنادی و با ابزار فیش‌برداری انجام شده است. هدف اصلی انجام پژوهش حاضر تحلیل و تبیین کارکردگرایانه نهاد مهریه در حقوق ایران و فقه امامیه است.

مفهوم شناسی اصطلاحات

نهاد

مفهوم نهاد^۱ از مفاهیم ساده علوم اجتماعی نیست و تعریف آن با پیچیدگی خاصی همراه است. یکی از بنیانگذاران بحث نهاد، ویبلن^۲ است. از منظر او نهادها، آن دسته از عادات تثبیت شده فکری و مشترک در بین عموم انسانها هستند. میچل^۳ معتقد است، نهادها چیزی نیستند جز عادات فکری رایج که به مثابه هنجارهای هدایت‌کننده رفتار از مقبولیت عامه برخوردار شده‌اند. (نظری، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴). راثر فورد^۴ (۲۰۰۷) تأکید دارد نهادها که تبلور آنها هنجارهای اجتماعی، رسوم، قوانین، اعمال عمومی، شیوه‌های فکری و رفتار مورد قبول جامعه هستند، ترجیحات و ارزش‌ها افراد جامعه را قالب می‌زنند (مشهدی آمد، ۱۳۹۲، ص ۵۵). نورث^۵ معتقد

¹ Institution

² Veblen

³ Mitchell

⁴ Rutherford

⁵ North

است: از جمله نهادهای رسمی در جامعه می‌توان به مقررات، قانون اساسی، قراردادهای و حقوق مالکیت اشاره کرد که این نهادها در جامعه از مشروعیت بالایی برخوردار هستند. نهادهای غیررسمی عبارتند از هنجارها، اخلاق، رسوم و ایدئولوژی. این نوع نهادها، قوانین غیررسمی جامعه و بخشی از فرهنگ به حساب می‌آیند (نظری، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶).

کارکرد

واژه کارکرد^۱ از ریشه لاتینی *Functio* به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده است در علوم اجتماعی نقشی را می‌رساند که یک جزء از کل تقبل کرده و به انسجام می‌رساند. کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. در جامعه‌شناسی، کارکرد به نتایج و آثار عینی پدیده‌ها یا ساختارهای اجتماع اطلاق می‌شود. منظور این است که هر پدیده اجتماعی کارکرد معینی برعهده دارد که به نحوی در دوام و اداره جامعه مؤثر است. به بیان دیگر، هر گروه، نهاد اجتماعی عهده‌دار کارکرد یا وظیفه‌ای است و تا زمانی که آن وظیفه از نظر اجتماعی الزامی می‌باشد، کارکرد مذکور نیز دوام می‌آورد و پایدار می‌ماند (ریاض، ۲۰۱۸، ص ۱۱۸).

نهاد مالی

وقتی دو نفر با هم ازدواج می‌کنند، بسته به رژیم زناشویی^۲، قوانین خاصی به طور خودکار برای آنها اعمال می‌شود، در این رابطه، این قوانین به جنبه‌های مالی رابطه آنها در زمانی که ازدواج کرده‌اند مربوط می‌شود، که به آن نهادهای مالی^۳ در حقوق خانواده گفته می‌شود. یک نهاد (رژیم) مالی، قوانینی را برای مدیریت اموال و بدهی‌های انباشته شده در طول ازدواج و نحوه تقسیم آنها در صورت طلاق یا فوت یکی از آنها تعیین می‌کند. یک نهاد مالی در واقع نظامی از قواعد یکپارچه برای تنظیم روابط زوجین با یکدیگر و اشخاص ثالث مرتبط با زوجین است (اشتاینر و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۸۷). اغلب، زوجها تنها در پایان ازدواج که با فوت یکی از زوجین یا طلاق همراه است متوجه اهمیت نهادهای مالی در حقوق خانواده می‌شوند. زوج‌هایی که در یک رابطه قانونی مشترک هستند، و ازدواج آنها به رسمیت قانون شناخته شده است، کلیه قوانین مدنی برای آنها قابل اعمال است (شرپه و اسلون، ۲۰۱۴، ص ۲، منزول، ۲۰۲۳، ص ۱۹۴).

1. Function

2. Matrimonial Regimes

3. Financial Institution

مهریه

مهر، مهریه یا صداق در قوانین موضوعه و فقه امامیه تعریف نشده است و فقط موضوع و شرایط صحت آن ذکر گردیده است. «مهر» واژه‌های تازی و معادل «کابین» یا «دست پیمان» در زبان فارسی است. مهر از مصدر (مَهَرَ) است و از لحاظ لغوی به معنای (صداق) بکار رفته و آن نقد و جنسی است که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقرر می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۳). در زبان انگلیسی واژه marriage portion یا dower معادل واژه مهر است (اندرسون، ۲۰۰۷، ص ۱۵۸). «مهر» به معنی اجر زن و کابین اوست و به تعبیر برخی نویسندگان، مالی است که مرد در عقد نکاح به زن می‌دهد و تعیین مقدار آن منوط به تراضی طرفین است (فارس ابن زکریا، ۱۳۶۲). در قرآن از واژه مهر عیناً استفاده نشده و لغات معادل آن بکار رفته، مانند: (صدقه) و (نحله) در آیه ۴ سوره نساء یا (فریضه) در آیه ۲۲۷ سوره بقره یا (أجر) در آیه ۲۴ سوره نساء؛ در ضمن واژه صدقه به معنی صدق و راستی است چون مرد به رغبت و میل خود برای نکاح مالی را به زن تسلیم می‌کند و نحله به معنای بخشش و عطیه و اعطای تبرعی است که مهر را هدیه‌ای می‌داند از طرف مرد به زن و اجر هم به معنای اجرت می‌باشد. اما باید توجه داشت که در زمان قدیم معنی دو واژه «مهر و صداق» یکی نبوده چون مهر مالی بوده که به پدر زن یا خانواده او پرداخت می‌شده، در صورتی که صداق بعنوان هبه فقط به خود زن داده می‌شد و در زمان بعد از اسلام این فرق برداشته شده و هر دو کلمه مترادف هم گشتند. در اصطلاح فقهی و حقوقی، مهر به معنای مالی است که معمولاً زوج به زوجه در عقد نکاح می‌پردازد یا به نفع زوجه بر ذمه زوج مستقر می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲). هر چند این تعریف را از جهتی می‌توان مورد مناقشه قرار داد چرا که «در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی، زن مستحق مهر المثل است» (ماده ۱۰۹۹ ق.م.). بنابر این، مهر المثل - که یکی از اقسام مهر است - در نکاح باطل نیز وجود دارد. لذا برخی حقوقدانانها چنین تعریفی را پیشنهاد می‌دهند: «مهر حقی مالی برای زن است که شارع مرد را مکلف به پرداخت آن در عقد ازدواج صحیح یا وطی به شبهه یا عقد فاسد، نموده است» (شبلی، ۱۹۷۷). البته این تعریف نیز مصون از نقد نیست چرا که نکاح باطل، اصولاً حقی برای زن پدید نمی‌آورد. ماده ۱۰۹۸ قانون مدنی بر همین مبنا بیان می‌دارد: «در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید».

بنابراین هر عقد نکاح فاسدی موجب استحقاق زن برای دریافت مهریه نمی‌شود. ولی در مواردی که وطی به شبهه صورت می‌پذیرد، زن مستحق مهر المثل می‌گردد (امامی، ۱۳۸۴). به همین دلیل مهر را تعریف نموده‌اند به: «مالی که با نزدیکی غیر از زنا یا نکاح یا اتلاف قهری بضع واجب می‌شود» (عاملی، ۱۳۸۱). به نظر می‌رسد چنانچه مهر المثل را از اقسام مهرها بدانیم، تعریف اخیر تعریف دقیقتری باشد ولی چنانچه مانند برخی نویسندگان، مهر المثل را صرفاً خسارت غیرقراردادی و منحصر به نزدیکی ناشی از عقد فاسد بدانیم (امیرمحمدی، ۱۳۸۸)، «مهر مالی است که معمولاً زوج به زوجه در عقد نکاح می‌پردازد یا به نفع زوجه بر ذمه زوج مستقر می‌شود». (امامی و همکاران، ۱۳۹۳). این تعریف سابقه فقهی نیز دارد؛ شیخ مفید در تعریف مهر بیان می‌دارد: «مهر چیزی است که زوج پرداختش را به زوجه هنگام عقد عهده دار می‌شود.» (مفید، ۱۳۷۰).

- مهر در فقه

در فقه امامیه نیز همانطور که گفته شد اغلب نویسندگان تنها به موضوع و شرایط مهر متذکر شده و متعرض تعریف آن نگردیده‌اند، بطور مثال صاحب مختصرالنافع می‌فرماید: «کل ما یملک المسلم یکون مهراً، عیناً کان او دیناً او منفعه، کتعلیم الصنعه و السوره و یتسوی فیه الزوج و الاجنبی، لا تقدیر للمهر فی القله و لا فی اکثره علی الاشبهه، بل یتقدر بالتراضی» (الحلی، ۱۳۷۳). همچنین در تحریرالوسیله در مورد موضوع مهر بیان شده: «هرآنچه را که مسلمان مالکش می‌شود، صحیح است که مهر قرار داده شود، عین باشد یا دین یا منفعت، عین مملوکی از خانه یا مزرعه یا حیوان باشد و...» (موسوی خمینی، ۱۳۹۶). علامه حلی نیز مهر را اینگونه تعریف نموده: «مهر یا صداق مالی است که شوهر در مقابل حق تمتع باید بدهد و در شرع اسلام نکاح بی مهر نیست، مگر آنکه زن به شوهر ببخشد...» (حلی، ۱۳۶۷).

- مهر در قانون مدنی

قانون مدنی به پیروی از اکثر فقهاء امامیه مهر را تعریف نکرده و آن را به سکوت برگزار نموده است. بنابراین علمای حقوق برای رفع این نقیصه خود به تعریف مهر پرداختند: امامی در تعریف مهر گفته است: «قانون تعریفی از مهر ننموده است ولی از مواد مربوط به مهر معلوم می‌شود، مهر عبارت از مالی است که زوج برای نکاح، بزوجه تملیک می‌نماید» (امامی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۸). بنظر می‌رسد تعریف فوق خالی از اشکال نمی‌باشند، چون دادن مال اعم از تملیک می‌باشد و متبادر از آن صرف در اختیار قراردادن است نه به تملک درآوردن.

در ادامه جعفری لنگرودی در تعریف مهر چنین گفته‌اند: «مهر (بروزن نهر) مالی است که برابر رسوم و عادات در موقع عقد نکاح شوهر به زن می‌دهد یا تعهد به دادن آن می‌کند، مهر باید قابل تملک زوج و زوجه باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، ص ۳۵۷۷). این تعریف نیز دارای اشکالاتی می‌باشد، مثلاً اینکه مهر را برابر رسوم و عادات می‌داند که این سخن به روشنی نادرست است. چون مهر و مبنای آن در درجه اول به حکم قانون می‌باشد و بعد از آن منابع معتبر اسلامی آن را تأیید می‌نمایند یا اینکه «قابلیت تملک زوج بر مهریه» که امکان دارد زوج به خاطر داشتن وضع خاصی (مانند تابعیت خارجی) امکان مالکیت مال غیرمنقول را نداشته باشد. یا تعریفی که دکتر حسین صفایی ارائه نمودند: «مهر یا صداق که به فارسی کابین گفته شده است، مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود» (صفایی و امامی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷).

ولی دکتر ناصر کاتوزیان در مورد مهر تعریف ذیل را ارائه نموده است: «مهر عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود، الزام مربوط به تملیک نیز ناشی از حکم قانونگذار است و ریشه قراردادی ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).

ماهیت مهریه

مهریه از جانب مرد یک اظهار عشق و محبت فوق‌العاده برای زن می‌باشد. که حتی بالاتر از بخشش و هدیه‌های معمولی است. در ضمن وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه اجتماعی برای زن محسوب می‌شود و حتی در برخی موارد که مردان هوس باز بدون هیچ دلیلی همسر خود را ترک کرده و زن دیگری را که جوان‌تر و با نشاط‌تر است برای زندگی انتخاب می‌کنند. مهریه مانعی در مقابل این هوسرانی‌ها است. توجه به ماهیت مهریه و توصیف دقیق حقوقی آن می‌تواند در خصوص ارزیابی اعتبار قید عندالاستطاعه در مهریه و آثار مترتب بر آن مفید باشد. به نظر بعضی مهریه مستقل از نکاح نیست و رکن آن محسوب می‌شود. ایشان مهریه را به عنوان عوض در نکاح به حساب می‌آورند. به نظر برخی از حقوقدانان مهر نوعی التزام قانونی است که بر مرد تحمیل می‌شود و زوجین تنها می‌توانند هنگام عقد و یا بعد از آن مقدار مهر را به تراضی تعیین کنند. برخلاف بعضی تصریحات که مهریه را عقد نمی‌دانند. مطالعه مجموع ضوابط و مقررات حاکم بر مهریه نشان می‌دهد، علی‌رغم پیچیدگی ماهیت این تأسیس حقوقی، توافق بر مهریه یک عقد تبعی نسبت به عقد نکاح به شمار می‌رود (مرداری میرشکاری و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۵؛ آناهید و علیزاده، ۱۴۰۲، ص ۱۲).

بنابراین نه تنها با وضع مهریه به زنان به عنوان کالا نگاه نشده، بلکه ارزش و احترام زن به وسیله وضع و تأیید چنین قانونی محفوظ مانده است.

اگرچه همزمانی مهر با نکاح، در نکاح دائم شرط نیست و اگرچه زن می‌تواند مثل هر مالک دیگری مالکیت خود یعنی مهر را ببخشد، ولی نکاح بی مهر قابل تصور نیست، این حقیقت در کتاب خداوند متعال و سنت پیامبر (ص) و روایات تأیید شده است.

قرآن کریم در آیاتی به تشریح ابعاد مختلف مهر و تعیین آن و وجوب مهر پرداخته است و همین توجه قرآن به مهر نشانه اهمیت موضوع مهر در زندگی انسان است، ولی لفظ مهر عیناً در آن ذکر نشده است و با تعبیر متعددی چون: صداق، متاع، فریضه، اجر، نحله این حق مالی را معرفی کرده است.

آیه اول: خداوند متعال در سوره نساء آیه ۴ می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُنَّ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا»^۱. یعنی: «و مهریه زنان خود را با رضایت کامل به ایشان بدهید اما اگر به طیب خاطر خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند، حلال و گوارا بر شما خواهد بود.» واژه‌های صداق و نحله از این آیه اتخاذ گردیده که ظاهراً صریح‌ترین آیه در خصوص مهر می‌باشد. اضافه شدن لفظ (صدقات) به ضمیر «هن» نشان می‌دهد که حکم به وجوب پرداخت مهر در سنت ازدواج امری متداول بین مردم بوده است. آن‌ها مقداری از مال یا هر شیء دارای مالیت را برای همسران خود مهر قرار می‌دادند. این مهر چیزی شبیه عوض برای بضع است آنگونه که در معامله عوض در مقابل معوض قرار می‌گیرد. طالب ازدواج طبق آنچه در میان مردم متداول است مرد است بنابراین مهر را نیز او می‌پردازد. زیرا که خریدار به همراه عوض برای خریدن کالا به فروشنده مراجعه می‌کند در هر صورت مستفاد از آیه شریفه: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» تأیید این سنت رایج در میان مردم است.

آیه دوم: خداوند در سوره نساء آیه ۲۴ می‌فرماید: «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...»^۲. یعنی: «...پس وقتی با زنان ازدواج موقت می‌کنید، واجب است مهریه آنان را پرداخت نمایید...»

۱. سوره نساء، آیه ۴

۲. سوره نساء، آیه ۲۴

آیه سوم: خداوند متعال در سوره بقره آیه ۲۳۷ می‌فرماید: «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ...»^۱ یعنی: «و هرگاه زنان را قبل از آمیزش طلاق دادید، نیمی از مهر آنان را به ایشان بپردازید...» خداوند در این آیات مهریه را بعنوان حق زن و تکلیف مرد اعلام کرده و جای تردیدی در وجوب آن باقی نمی‌ماند.

روایات متعددی در خصوص ضرورت تعیین مهر در عقد نکاح و اهمیت آن و الزام مؤکد اخلاقی و حقوقی به پرداخت آن و برحذر داشتن مردان از بی توجهی به حقوق زنان و تضییع آن وارد شده است. که برای نمونه در ذیل به چند مورد اشاره می‌کنیم:

(۱) وَ قَالَ الصَّادِقُ (ع): «مَنْ تَزَوَّجَ إِمْرَأَةً وَ لَمْ يَنْوَأَنْ يُوْفِيْهَا صَدَاقَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ زَانٌ» یعنی: امام صادق (ع) فرمودند: «هرکسی با زنی ازدواج کند و تصمیم داشته باشد که مهریه او را نپردازد، نزد خدا زناکار است» (الصدوق، ۱۳۷۰).

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّ اللَّهَ لِيَغْفِرَ كُلَّ ذَنْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَهْرَ امْرَأَةٍ...» یعنی: پیامبر خدا (ص) فرمودند: «خداوند در روز قیامت تمامی گناهان را (ممکن است) ببخشد مگر سه گناه را که یکی از آنان پرداخت نکردن مهریه زنان است...» (عاملی، ۱۳۸۱).

(۳) از امام محمد باقر (ع) آمده که پیامبر به مردی که طالب ازدواج با زنی بود ولی مالی نداشت تا بعنوان مهر به او بدهد فرمودند: «آیا از قرآن چیزی میدانی؟ مرد گفت: آری، سپس پیامبر فرمود: شما را به ازدواج هم در می‌آورم براساس آنچه از قرآن به نیکو می‌دانی، پس آن را به این زن هم بیاموز» (طوسی، ۱۳۶۵).

انواع مهریه

مهر انواع و اقسام مختلفی دارد که عبارتند از:

مهرالسنه یا مهر محمدی: مهری است که پیامبر اسلام (ص) برای حضرت فاطمه (س) مقرر کردند و آن عبارت است از دویست و شصت و دو مثقال و نیم پور نقره مشکوک است. مهرالمسمی: عبارت است از میزان مالی که به عنوان مهریه در عقد نکاح ذکر می‌گردد و مورد توافق زوجین است و یا مهری است که در عقد نکاح تعیین شده یا تعیین آن به عهده شخص ثالثی گذارده شده است (بزرگی و مطهریراد، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۷

مهرالمثل: هرگاه در عقد نکاح در زمان عقد مهریه تعیین نشود، زوجین می‌توانند پس از وقوع عقد با توافق مهریه تعیین نمایند. حال اگر قبل از تراضی برای تعیین مهریه نزدیکی شود زوجه مستحق مهرالمثل است. مهرالمثل عبارت است از مال که با در نظر گرفتن وضع خانوادگی زوجه و حال اقران و نزدیکان زوجه جهت مهر تعیین می‌شود. مهریه که در نکاح معوضه البضع پس از وقوع نزدیکی و قبل از توافق بر مهر معین برحسب شرافت و اوضاع و احوال زوجه به او داده می‌شود. (ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی).

مهرالمتعه: هرگاه در عقد نکاح مهر تعیین نشود و زوج مصمم باشد که زوجه را قبل از نزدیکی طلاق دهد مقداری را به عنوان مهر تعیین و به زوجه پرداخت می‌کنند و این مبلغ بستگی به وضعیت مالی زوج دارد. به طور خلاصه مهرالمتعه مهری است که در نکاح مفوضه البضع شوهر به زن مطلقه خود که با او نزدیکی نکرده می‌دهد برای تعیین این مهر برخلاف مهرالمثل مرد از حیث وضعیت مالی مرد مد نظر قرار می‌گیرد (برادرزاده، ۱۴۰۲، ص ۵).

مفوضه البضع: زوجه را در عقد نکاحی که دائم بوده و مهر ذکر نشده باشد با شرط عدم مهر شده باشد مفوضه النضع نامند (همان).

مفوضه المهر: زوجه را در نکاح دائم که تعیین مقدار مهریه را به اختیار شوهر یا زوجه یا ثالث گذاشته باشند، مفوضه المهر گویند (همان).

شرایط مهر

قراردادی که زن و مرد در مورد مهر می‌بندند یک قرارداد تبعی است، یعنی قراردادی است راجع به مال که جدا از اصل نکاح ولی تابع عقد اصلی یعنی عقد نکاح می‌باشد و برای همین شرایط اساسی صحت معاملات باید در مورد این قرارداد رعایت شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۶)؛ پس چیزی که بعنوان مهر تعیین می‌شود باید دارای شرایط عمومی مورد معامله بشرح زیر باشد:

مالیت داشتن: یعنی دارای ارزش داد و ستد اقتصادی باشد و بتوان آن را در یک قرارداد معوض بعنوان عوض قرار داد و مالی را در عوض آن دریافت کرد. ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک باشد می‌توان مهر قرار داد». بنابراین نتیجه می‌گیریم یک حبه گندم و چوب کبریت سوخته و هوا و مانند آن را به دلیل نداشتن مالیت نمی‌توان مهر تعیین کرد.

قابل تملک بودن: زن باید بتواند مهریه را تملک کند، پس اموال و مشترکات عمومی و موقوفات را نمی‌توان بعنوان مهر تعیین کرد و همچنین اموالی را که بعلت بازداشت بودن یا بعلت متعلق بودن حق غیر نمی‌توان تملک نمود را نیز نمی‌توان مهر قرار داد مگر با رضایت ذیحق یا طلبکار قانون مدنی ما نیز در قسمت دوم ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی در مورد قابل تملک بودن صراحت دارد.

معلوم بودن: طبق ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود، معلوم باشد.» معلوم بودن یعنی مقدار و جنس و وصف آن مشخص باشد، معلوم بودن گاهی بوسیله وزن کردن گاهی با مشاهده و گاهی با عدد یا مساحت مشخص می‌شود، پس مقدار غیر مشخصی از یک قطعه زمین یا تعداد نامعلومی از کالایی در یک مغازه را نمی‌شود بعنوان مهر تعیین کرد. البته مشهور فقهای امامیه با این که اگر علم اجمالی به مورد مهر برای طرفین حاصل شود مهر صحیح می‌باشد موافقند مثلاً اگر یکباب خانه را مهر تعیین کنند لازم نیست حتماً خصوصیات کامل آن ذکر شود و می‌توان حد وسطی را برای تسلیم خانه به زن تعیین کرد ولی بعضی دیگر هم با این امر مخالفند و عقیده دارند اگرچه جنس مشخص است ولی چون تنها با معلوم بودن جنس مهریه رفع جهالت نمی‌شود مهر باطل است (شیخ، ۱۴۰۲، ص ۱۰).

قدرت بر تسلیم: شوهر باید قادر به تسلیم مالی باشد که بعنوان مهریه زن تعیین می‌شود، این شرط را از متن ماده ۳۴۸ قانون مدنی استنباط می‌نماییم. در نتیجه ماهی شناور در دریا یا پرنده در حال پرواز در آسمان را نمی‌توان مهر قرار داد. ولی اگر مالی را که شوهر قادر به تسلیم آن به زن نیست، زن خود قادر به قبض آن باشد می‌تواند مهر قرار گیرد. مثلاً قطعه طلائی که در دریا غرق شده و دست نیافتنی است را نمی‌شود مهر قرار داد، البته اگر خود زن بواسطه غواص بودن قادر به تسلیم باشد و بتواند آن طلا را از ته دریا در بیاورد مهر قرار دادن آن صحیح است.

معین بودن: این شرط هم از ماده ۱۹۰ قانون مدنی استنباط گردیده، چون در این ماده معین بودن یکی از شرایط اساسی صحت معامله می‌باشد و چون مهر هم از جهاتی تابع احکام معاملات است، پس باید معین باشد یعنی بین دو یا چند چیز مردد نباشد و بین شک و تردید واقع نشود. مثلاً یک اتومبیل از ۵ اتومبیل موجود در نمایشگاه به شکل مردد نمی‌تواند مهر قرار گیرد.

منفعت عقلایی و مشروع: این شرط به صراحت در قانون در مورد شرایط مهر ذکر نشده ولی در ماده ۲۱۵ قانون مدنی منفعت عقلایی داشتن و مشروع بودن از شروط مورد معامله می‌باشد، و چون مهریه باید تابع شروط اساسی صحت معاملات باشد پس باید این شروط را هم داشته باشد.

موجود بودن: هرگاه مهر عین معینی باشد باید در زمان عقد موجود باشد، یعنی اگر بعد از عقد معلوم شود که آن عین در زمان عقد موجود نبوده تعیین مهر باطل خواهد بود. این شرط هم از ماده ۳۶۱ قانون مدنی استنباط می‌شود. مثلاً اگر مهریه یک دستگاه اتومبیل باشد که در عقد درج شده و بعداً مشخص شود این اتومبیل در زمان عقد وجود خارجی نداشته یا از بین رفته بوده این تعیین مهر باطل بوده و زن مستحق دریافت قیمت یا مثل طبق ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی می‌باشد.

ملک شوهر بودن: مالی که مهر قرار داده می‌شود باید ملک شوهر باشد، البته ملک غیر را هم می‌توان با اجازه مالک آن مهر قرارداد ولی اگر بدون اذن مالک باشد غیر نافذ بوده و با اجازه او تعیین مهر نافذ و با رد اجازه او باطل می‌شود. و در صورت ابطال مهر شوهر باید مثل یا قیمت آن را بدهد (ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی).

کارکرد مهریه در فقه امامیه

کارکرد مهریه در فقه امامیه در دو قالب مهر به عنوان عوض تمتع جنسی و غیرمعاوضی بودن مهر برشمرده که به شرح زیر قابل تبیین هستند.

مهر؛ عوض تمتع جنسی

هر چند در سخن بسیاری از فقیهان امامیه در خصوص ماهیت مهر تردید دیده می‌شود اما بسیاری از ایشان مهر را عوض بضع می‌پندارند. برخی گفته‌اند: «چنانچه مردی با مهر معلوم با زنی ازدواج نماید، زن به سبب عقد مالک مالک مهر می‌شود و در برابر مرد نیز مالک بضع می‌گردد، چرا که نکاح عقدی معوض است» فقهای متقدم و متأخر دیگر نیز به این موضوع تصریح نموده‌اند. چنانچه علامه حلی (ره) در ابتدای باب مهر می‌فرماید: «المهر و هو عوض البضع» (حلی، ۱۳۷۰). محقق کرکی نیز بیان می‌دارد «مقصود از نکاح، منافع بضع است و مهر در برابر آن قرار می‌گیرد» در برخی از متون معتبر فقهی از مهر با عنوان «قیمه البضع» یاد می‌شود و بیان می‌دارند: جایز است نکاح و بیع در عقد واحد منعقد شود و در این هنگام، عوض به نسبت (ارزش) ثمن، یعنی قیمت مبیع و مهرالمثل یعنی قیمت بضع تقسیم می‌شود.

همچنین برخی از مفسران بزرگ قرآن کریم، مهر را عوض تمتع مرد بر شمرده‌اند (حلی، ۱۳۷۰؛ عاملی و محقق ثانی، ۱۳۷۴). در حقوق ایران نیز، این نظریه طرفداران مطرحی دارد. برخی از صاحب‌نظران حقوق معتقدند: «جنبه خصوصی نکاح یعنی مهر، به اعتبار نزدیکی بین زوجین مانند عقود معاوضی است که هرگاه قانون در موردی به حکم مخصوصی تصریح ننماید تا آنجائی که لطمه به حقوق عمومی و جنبه مذهبی آن وارد نیاید، اصول و قواعد مربوط به معاوضات در آن رعایت می‌گردد.» همچنین شناسایی حق حبس برای زوجه توسط قانون مدنی (ماده ۱۰۸۵)، نشان از گرایش قانون مدنی به عوض یا شبه عوض دانستن مهر دارد. گفته شده است که در برخی از آیات کتاب شریف قرآن نیز از مهر با عنوان «اجور» (جمع اجر) تعبیر شده است^۱ که به معنای مزد می‌باشد و نشان از معاوضی بودن نکاح و انتفاع مرد از بضع دارد. همه مفسران شیعه و سنی در این آیه و آیات مشابه، اجر را به معنای مهر می‌دانند. در همین راستا، برخی فقهای مالکی به آیه ۲۴ سوره نساء استناد نموده‌اند که خداوند متعال می‌فرماید: «...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...» (از زنانی که بهره می‌برید، مهرشان را بپردازید). با اینحال، این آیه شریفه ناظر به «متعۀ نساء» می‌باشد و بسیاری از قراء و محدثین صدر اسلام از جمله ابی بن کعب، ابن عباس، سعید بن جبیر و سدی و برخی دیگر این آیه را بدین گونه «فما استمتعتم به منهنّ اِلی اجل مسمیّ فآتوهنّ اُجورهنّ» قرائت می‌کرده‌اند. از ابن مسعود و جماعتی دیگر نیز قرائت آیه به همین نحو روایت شده است. اما در سایر آیات شریفه از اجر به معنای مهر استفاده شده است و لذا میتوان از ظاهر این آیات، شبه عوض بودن مهر را برداشت نمود. با این حال استناد به عبارت «اجور» در مصحف شریف، برای القاء معوض بودن مهر موجه نیست. چه در سایر آیات شریفه‌ای که این عبارت مشاهده می‌شود، معنای عوض نمی‌دهد بلکه در تمام آیات دیگری که از واژگان «اجر» یا «اجور» استفاده شده است، معنای پاداش عمل دارد و در ادبیات قرآنی، غالباً به پاداش اخروی گفته می‌شود. بنابر این هم استنباط فوق و هم ترجمه‌ای که در برخی مقالات از آیه ۲۴ سوره نساء شده است به این نحو که «هر موقع از زنان تمتع و لذت بردید واجب است اجرتشان را بپردازید» قطعاً صحیح نیست. باید اضافه نمود که فقیهان امامیه نکاح را معاوضه حقیقی نمی‌دانند و به تعبیر دقیق‌تر آن را شبه معاوضی می‌پندارند. چرا که عناوین و شرایط صحت معاوضات بر نکاح مترتب نمی‌شود؛ اولاً با صیغه عقود معاوضی مانند بیع و اجاره و ... نمی‌توان نکاح را منعقد نمود و ثانیاً عدم ذکر ثمن در

۱. نساء: ۲۴ و ۲۵، مائده: ۵، احزاب: ۵۰، ممتحنه: ۶۰

معاوضات موجب بطلان تراضی است در حالی که در نکاح، مسکوت نهادن مهر و میزان آن خللی به صحت عقد وارد نمی‌آورد. روشن است که عدم ذکر مهر ماهیت نکاح را از معاوضی به غیر معاوضی تغییر نمی‌دهد. همچنین در معاوضات، تلف عوض قبل از قبض موجب انفساخ عقد است اما در نکاح تلف مهر، مستلزم پرداخت مثل یا قیمت می‌باشد. علاوه بر این، در عقود معاوضی و تغابنی، علم تفصیلی به عوضین شرط صحت است اما در نکاح، علم اجمالی به مهر کافی است بنابراین نکاح از عقود شبه معاوضی است اما غالب احکام معاوضات بر مهر جاری می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۰؛ امامی نمینی، ۱۳۸۶).

غیرمعاوضی بودن مهر

در برابر رویکرد معاوضی نسبت به ماهیت مهریه، عده‌ای بر این باورند که در حقوق اسلام، نکاح ابتیاعی نبوده و به تبع آن مهر نیز هدیه‌ای است که به خود زن اعطا می‌شود. بیشتر دلایل ایشان از این قرار است که اولاً انسان طرف حق است و موضوع حق واقع نمی‌شود بنابراین امکان ندارد که زن در برابر مهر خود را بفروشد. اسلام قوانین اقتصادی خود را چنان تنظیم کرده که مرد هیچ بهره‌گیری اقتصادی از زن ندارد؛ در این صورت، چگونه می‌توان مهر را قیمت کامیابی از زن دانست؟ ثانیاً در مواردی که نکاح بدون تمتع جنسی پایان می‌یابد نیز زن مستحق دریافت نیمی از مهر می‌باشد. همچنانکه در صورت عدم تعیین مهر و انحلال نکاح پیش از نزدیکی، زوجه مستحق دریافت مهر المتمعنه می‌گردد. در برابر، درست بر عکس عقود معاوضی همچون بیع و اجاره و... که بطلان عوض موجب سраپت به اعتبار عقد می‌گردد، بطلان یا عدم تعیین مهر، موجب بی‌اعتباری نکاح نیست. ثالثاً همانطور که پیش از این آمد، در فقه اسلامی، به نحو مؤکد توصیه شده است بر قرار دادن مهر السنه به عنوان مهر زنان مسلمان. مهر السنه میزان ثابتی دارد (پانصد درهم مسکوک)، در حالی که عوض و معوض در کمیت و کیفیت تابع یکدیگر هستند. همچنین گفته شده است که تعهدات زوجین به پرداخت مهر و تمکین، ناشی از الزام قانونی است نه توافق طرفین. به دیگر بیان نکاح به اراده طرفین منعقد می‌شود اما آثار آن را زن و شوهر پدید نمی‌آورند بلکه با تراضی بر نکاح، «وضعیت» قانونی خاصی پدید می‌آید که آثار آن بر زوجین تحمیل می‌شود. بنابر این هم مهر و هم تمکین الزام قانون بر زوجین است و عوض یکدیگر محسوب نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۵).

با این وصف بسیاری از نویسندگان مهر را عوض یا شبه عوض نمی‌دانند. غالب مفسران شیعه و برخی فقهای امامیه بر اساس آیه ۴ سوره مبارکه نساء که می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ»

نِحْلَةً» (مهر زنان را به عنوان عطیه به ایشان بپردازید)، مهر را عطیه‌ای برای زنان می‌شمارند. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه مزبور بیان می‌دارد: «صدقه، صدقه و صدق هر سه به معنای مهریه‌ای است که به زنان می‌دهند و کلمه نحلّه به معنای عطیه‌ای است مجانی که در مقابل ثمن قرار نگرفته است.» مفسران دیگر نیز با تعبیری متفاوت همین معنی را از آیه مزبور برداشت نموده‌اند. به باور ایشان در ازدواج چیزی به تملیک مرد در نمی‌آید تا مرد عوض آن را در قالب مهر بپردازد. همه منافع ازدواج چون تشکیل خانواده، کامیابی جنسی و فرزندآوری برای زوجین مشترک است و بضع زن یا «ناموس مرد» ملک کسی نیست بلکه همه در مالکیت خداوند قرار دارند. بنابر این مهریه عطیه الهی است که به حکم خداوند شوهر باید به زن بپردازد. بدین ترتیب و با این تفاسیر، مهر دو بعد دارد. بُعد اول، پیشکش و هدیه بودن آن است که از عبارت «نحلّه» دریافت می‌شود و بعد دیگر، شرعی یا قانونی بودن. بعد دوم بدین معناست که الزام مرد به پرداخت مهر، ناشی از توافق او با زوجه نیست بلکه ناشی از الزام شرع یا قانون می‌باشد. این وجه از مهر منطبق با این سخن که پیمان نکاح، «وضعیت قانونی» ازدواج را پدید می‌آورد و تعهدات و الزامات قانونی اطراف ازدواج (اعم از زوجین و والدین و فرزندان) ناشی از این وضعیت است. با این حال، در نتیجه فوق از جهاتی می‌توان تردید نمود. اولاً بسیاری از بزرگان، عبارت «نحلّه» در آیه شریفه فوق را به معنی هدیه و عطیه نمی‌دانند. از نظر ایشان واژه نحلّه از ریشه انتحال به معنای منسوب بودن مشتق گردیده است و به معنی منسوب داشتن شخصی به قبیله یا مذهب خود است. ثانیاً حتی بر فرض پذیرش اینکه عبارت نحلّه در آیه شریفه فوق به معنای هدیه باشد، می‌توان ادعا نمود که قید احترازی حکم نمی‌باشد. چه پرداخت هدیه امری الزامی نیست و در صورت پرداخت نیز قابل رجوع می‌باشد اما در مهر، هم به پرداخت آن ملزم می‌شوند و هم امکان برگشت و برگرداندن آن با اراده صرف شوهر نیست. ثالثاً چنانچه مهر تعهدی احسانی و یکطرفه باشد، وجود حق حبس، وصله ناجور خواهد بود. در حالی که «زن می‌تواند تا زمانی که مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند» (ماده ۱۰۸۵ ق.م.). همچنین گفته شده است که قانون صرفاً الزام‌های ناشی از نکاح را تعیین نمی‌نماید بلکه در خصوص تعهدات مرتبط با سایر قراردادها نیز حکمفرمایی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸؛ نظری، ۱۳۷۸، ص ۱۰-۹).

کارکرد مهریه در حقوق ایران

کارکردهای مهر در حقوق ایران در قالب؛ پوشش ریسک نفقه زوجه، پوشش ریسک انحلال بنگاه خانواده به موجب طلاق، جبران نقص ارث زوجه و فقر زوجه پس از مرگ شوهر، پوشش ریسک از بین رفتن عشق و انحصار، پوشش ریسک حضانت فرزند (ان)، ارزش معنوی مهر به عنوان احترام به زوجه، و مزد فعالیت‌های زوجه در دوران زوجیت برشمرد که به شرح زیر قابل تبیین هستند.

پوشش ریسک نفقه زوجه

ازدواج منافع مشترکی در پی دارد که از جمله مهمترین آنها، تقسیم کار است. غالباً تقسیم امور به نحوی است که هر کس در امری که مزیت نسبی دارد فعالیت انجام می‌دهد. بدین ترتیب در خانواده ایرانی به صورت سنتی، زن به اداره کارهای خانه مشغول است و از فرزندان نگهداری می‌کند. در برابر، شوهر نیازهای مالی خانواده را تأمین می‌نماید. قانون کمیابی منابع، به ما نشان می‌دهد که با اشتغال زوجه در امور فوق، امکان تحصیل درآمد پولی به طور مستقیم را از دست می‌دهد. بنابراین، زن همیشه با این ریسک بزرگ مواجه است که شوهر وی را از نظر مالی تأمین نکند و این مسأله باعث تنگدستی و عسر و حرج زن شود. قانونگذار برای پوشش چنین ریسک سهمگینی، ابزارهای قانونی متنوعی در نظر گرفته است. مثلاً ترک انفاق را جرم انگاری نموده است. با این حال واقعیت این است که مطالبه حقوق قانونی از طریق مراجعه به دادگاه کارآیی لازم را برای زنان - خصوصاً زن ایرانی سنتی - ندارد. زیرا در اکثر موارد زنان هزینه و زمان زیادی در فرآیند قضایی مطالبه نفقه از دست می‌دهند (حبیبی درگاه، ۱۳۹۳؛ شاول، ۲۰۰۴).

پوشش ریسک انحلال بنگاه خانواده به موجب طلاق

مطابق قانون زوج می‌تواند به صورت یک جانبه بدون آنکه هزینه معاملاتی زیادی بپردازد، درخواست طلاق کند اما زوجه بر اساس قانون باید تقصیر زوج یا عسر و حرج خود را ثابت کند. بنابراین مهر مطابق معیار بهینه پارتویی در برابر حق طلاق زوج قرار می‌گیرد. بنابراین زن می‌تواند از مهر به عنوان ابزار چانه زنی در برابر درخواست یکطرفه طلاق توسط مرد استفاده کند (ایگل و صالحی، ۲۰۰۷). البته با توجه به وضع قوانین حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶، ۱۳۵۳ و قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق سال ۱۳۷۰ و ماده ۱۱۳۳ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۳۸۱ که مقرر می‌دارد: «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به

دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید»، دیگر مرد در طلاق دادن زوجه‌اش مطلق العنان نیست. به طور خلاصه باید گفت، جریان طلاق با مراجعه به دادگاه، تعیین داور یا داوران و صدور گواهی عدم سازش صورت می‌پذیرد. بنابراین کارکرد مزبور عملاً سالبه به انتفاء موضوع است؛ ولی همچنان بسیاری از مردم و حتی برخی حقوقدانان، مهر را به عنوان توثیق نکاح یا «جریمه طلاق» قلمداد می‌نمایند. در عمل نیز در غالب موارد، مطالبه مهر پس از اختلاف شدید طرفین و یا جدایی ایشان صورت می‌پذیرد که مؤید این تلقی عمومی از مهر است (صفایی و امامی، ۱۳۸۶).

جبران نقص ارث زوجه و فقر زوجه پس از مرگ شوهر

یکی از مهمترین کار ویژه‌های مهر در جامعه ایرانی، جبران نقص ارث زوجه پس از مرگ شوهر می‌باشد. با توجه به سهم‌اندک زوجه از ماترک زوج، به طور عادی پس از فوت شوهر دارایی ناچیزی نصیب او می‌شود در حالی که در دوران زندگی مشترک فرصت تحصیل دارایی را از دست داده است. پس لازم است مبلغ شایسته‌ای به عنوان طلب شوهر به زن باقی باشد تا پیش از تقسیم دارایی، به وی پرداخت شود. در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی چنین عنوان شده است که «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بکند». در تبصره الحاقی اشاره می‌کند که «چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تعیین نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود محاسبه و پرداخت خواهد شد. از این ماده مستفاد می‌شود که مهریه می‌تواند ابزاری تا حدودی کارآمد برای جبران فقر زوجه پس از مرگ شوهر ذکر کرد. چه بسیار زنانی که در زمان ازدواج یا فوت شوهر فاقد هرگونه ارثیه پدری، یا هر نوع تأمین اجتماعی هستند و اساساً قانونگذار نیز برای این زنان چندان سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی پیش‌بینی نکرده است. در واقع زن مطلقه بدون ارث، و خانه‌دار در ایران از حمایت مادی - اقتصادی دولتی چندان برخوردار نیست و اگر این زن ازدواج دومی نیز نداشته باشد چطور باید وضعیت معیشتی خود را بهبود بخشد.

پوشش ریسک از بین رفتن عشق و انحصار

هر چند در فضای حقوق ایران، مردان مجاز به انتخاب زنان متعدد هستند، اما در ادبیات اقتصادی می‌توان تعدد زوجات را به زوال منفعت عشق انحصاری برای همسر اول تعبیر کرد. در حال حاضر هنجارهای اجتماعی اختیار قانونی مرد در تعدد زوجات را شدیداً کاهش داده است. شاید در دوره‌هایی از تاریخ بشر، تعدد زوجات منافاتی با عشق همسران به شوهر نداشته است اما در فضای کنونی جامعه ایرانی تردیدی نیست که با گزینش همسر جدید، بزرگ‌ترین منفعت ازدواج یعنی عشق از بین می‌رود. با این حال زنان به ابزار قانونی لازم برای پوشش چنین ریسک بزرگی مجهز نیستند. البته در قراردادهای نمونه ازدواج که در حال حاضر رایج شده است، با تعدد زوجات، زن اول وکالت در طلاق خواهد داشت. اما چنین نهادی کارآیی لازم را ندارد. چرا که زن مجبور می‌شود به خاطر از بین رفتن عشق خویش، بنگاه خانواده را به کلی منحل کند. این راهکار، صرفاً موجب تشفی خاطر زن می‌شود ولی از لحاظ اقتصادی، از دست دادن همه منافع ازدواج به خاطر زوال منفعت اصلی آن است. همین امر، زنان را مجبور می‌کند به ابزاری مالی برای پیشگیری و پوشش ریسک تعدد زوجات مجهز شوند. ظاهراً یکی از کار ویژه‌های مهم مهر، پوشش چنین ریسکی است. بنابراین، مهر ابزاری نسبتاً کارآمد در پوشش ریسک زوال عشق است؛ مگر اینکه وحدت همسر در قوانین ایران به رسمیت شناخته شود (پدرام، ۱۳۹۲).

پوشش ریسک حضانت فرزند (ان)

همانطور که پیش از این آمد، یکی از منافع عمده و مشترک ازدواج از نظر اقتصادی، کودکان هستند. قانون مدنی، در بحث نگهداری کودکان سعی نموده است راهکاری عادلانه در پی بگیرد. مطابق ماده ۱۱۶۹ ق.م. اصلاحی سال ۱۳۸۲: «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. تبصره- بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت طفل به تشخیص دادگاه می‌باشد.» این راهکار از آن جهت عادلانه به نظر می‌رسد که غالباً کودک در سنین پیش از ۷ سال به آغوش و مهربانی مادر نیاز بیشتری دارد و از طرف دیگر، مادر نیز احساس ترحم و دلسوزی بیشتر و در نتیجه نیاز بیشتری به حضانت از کودکش دارد. پس از ۷ سالگی اما عدالت حکم می‌کند که پدر از نگهداری فرزندش محروم نگردد. همچنین معمولاً پس از ۱۴ یا ۱۵ سالگی، خود فرزند توان تشخیص منزل خود را دارد.

این راهکار ممکن است به طور کلی عادلانه به نظر برسد اما برای بسیاری از زنان مطلوبیت ندارد. ممکن است برخی زنان تمایل داشته باشند تا مدت زمان بیشتری در کنار فرزند خویش که محصول عمده ازدواج محسوب می‌شود، باشند. در برابر زنانی که فرزندی در کنار خود دارند هزینه بیشتری در بازار ازدواج تحمیل می‌نمایند و امکان ازدواج مجدد ایشان کمتر میشود. بنابراین برخی زنان شرایط عادلانه حضانت از فرزند را ناکافی می‌دانند و برخی مایل به زندگی بدون حضانت از فرزند هستند تا فرصت بیشتری برای ازدواج مجدد داشته باشد. بر همین اساس، زنان به اجزای برای چانه زنی در خصوص نگهداری بیشتر کودکانشان نیاز دارند و مهر یکی از بهترین ابزارهای زن برای چنین هدفی است.

ارزش معنوی مهر به عنوان احترام به زوجه

فارغ از همه موارد فوق، مهریه در عرف ایرانی نشانه احترام به زن می‌باشد و در واقعیت نیز بسیاری از نوعروسان در بدو ازدواج قصد اخذ مهریه ثبت شده را ندارند بلکه برای نشان دادن ارزش اسمی وصلت خویش، میزان مهر را افزایش می‌دهند. به همین لحاظ بسیاری از خانواده‌ها مهر گزافی را اعلام و آشکار می‌نمایند ولی به صورت پنهانی بر میزان مهر کمتری توافق می‌نمایند یا بسیاری از زوجین توافق می‌کنند که پس از ازدواج بخشی از مهر توسط زوجه بخشیده شود. این واقعیت مؤید رویکرد غیر اقتصادی و نگاه تجملی به مهر می‌باشد (شفق، ۱۳۸۸).

مزد فعالیت‌های زوجه در دوران زوجیت

زن در دوران زندگی، فعالیت‌ها و فداکاری‌هایی می‌کند که غالباً به حساب نمی‌آید و بهایی بابت این کارها دریافت نمی‌کند. مهریه می‌تواند پاداش مرد به خدمات زن در دوران زناشویی باشد. گرچه فعالیت‌هایی که زنان در دوران زوجیت انجام می‌دهند مانند تربیت فرزندان و انجام کارهای منزل قابل جبران با مبلغی پول نیستند ولی بعنوان پاداش باعث دلگرمی زن در ادامه زندگی مشترک می‌شود چون زن بدلیل انجام این کارها موقعیت کار کردن در خارج از محل زندگی و کسب درآمد برای خود را از دست داده و راه را برای کار کردن شوهر خود هموار نموده، پس مرد هم می‌تواند با پرداخت مهریه این زحمات را جبران کند (شرف‌الدین، ۱۳۸۰).

یافته‌های پژوهش

مهریه در لغت به معنای کابین و جنسی که در وقت نکاح بر عهد شوهر است می باشد و در اصطلاح حقوقی نیز مهر یا صداق مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می گردد و مرد ملزم به پرداخت آن به زن می باشد. فلسفه تعیین مهر از نگاه اسلام، تنها جنبه مادی و اقتصادی ندارد بلکه بسیاری از ابعاد معنوی و تربیتی لطیف که حاکی از پیوند محبت و عشق و بقا و تکامل بوده نیز منظور شده است. مهریه دارای کارکردهای مختلفی است. در قرآن، مهریه عیناً استفاده نشده است بلکه در قالب واژه‌هایی چون صدقه، صدق و راستی آمده است. در مبانی فقهی، مهریه بیشتر مالی است که شوهر در مقابل حق تمتع باید بدهد و در شرع اسلام نکاح بی مهر نیست، مگر آنکه زن به شوهر ببخشد. بنابراین رویکرد فقه به مهریه بیشتر رویکرد تمتع مرد در مقابل نکاح نگاه می‌شود اگرچه بعد محبت، اظهار عشق و صداقت زوج به زوجه نیز برای مهریه نیز مورد توجه واقع شده است. بنابراین نه تنها با وضع مهریه به زنان به عنوان کالا نگاه نشده، بلکه ارزش و احترام زن به وسیله وضع و تأیید چنین قانونی محفوظ مانده است.

در رویکرد فقه امامیه، مهره عوض تمتع جنسی این شبه را ایجاد کرده که مهر را عوض بضع پنداشته‌اند اما حقیقت این است که فقیهان امامیه نکاح را معاوضه حقیقی نمی‌دانند و به تعبیر دقیق‌تر آن را شبه معاوضی می‌پندارند. چرا که عناوین و شرایط صحت معاوضات بر نکاح مترتب نمی‌شود. در دیگر سو، فقیهان امامیه، مهریه غیرقابل معاوضه نیز است در ازدواج چیزی به تملیک مرد در نمی‌آید تا مرد عوض آن را در قالب مهر بپردازد. همه منافع ازدواج چون تشکیل خانواده، کامیابی جنسی و فرزندآوری برای زوجین مشترک است و بضع زن یا «ناموس مرد» ملک کسی نیست بلکه همه در مالکیت خداوند قرار دارند. بنابراین در فقه امامیه، بعد اول مهر، هدیه یا پیشکش است بعد دوم بدین معناست که الزام مرد به پرداخت مهر، ناشی از توافق او با زوجه نیست بلکه ناشی از الزام شرع یا قانون می‌باشد.

اما در قانون مدنی و حقوق ایران، مهریه بیشتر قالب حمایتی و جبران برای زن دارد. یکی از این ابعاد حمایتی پوشش ریسک نفقه است که اگر زن موفق به دریافت نفقه نشد مهریه بتواند تا حدودی وی را تامین مالی نماید. یا در صورت طلاق، مهریه بتواند نوعی جریمه طلاق و پوششی برای تامین مالی زن شود، چرا که ضرر و زیان زن از طلاق بیشتر از مرد است. همچنین اگر زوجه فاقد هرگونه ارثی باشد و نیز سهم اندک زوجه از سهم‌الارث یا فاقد تامین اجتماعی و حمایت مالی از سمت نهادهای دولتی باشد پس از مرگ شوهر، مهریه می‌تواند نوعی تامین مالی برایش باشد. در نهایت مهریه نوعی پوشش ریسک از بین رفتن عشق و

انحصار، پوشش ریسک حضانت فرزندان، احترام به زوجه و مزد فعالیت‌های زوجیه در دوران زوجیت است به واقع باید گفت زوجه در حقوق ایران در هنگام طلاق یا فوت شوهر از پوشش‌های مطمئنی برخوردار نیست حضانت فرزندان می‌تواند برای زوجه هزینه‌زا باشد یا اساساً چون فعالیت‌های زن در خانه بدون اجر و مزد است و اساساً قابل اندازه‌گیری دقیق نیست بنابراین مهریه می‌تواند این مورد را پوشش دهد. مجموعاً باید گفت اساساً مهریه نوعی پوشش حمایتی - اجتماعی و مادی برای زنان محسوب می‌شود به ویژه در جامعه ایران که زوجه متارکه که از تامین اجتماعی - مادی قابل توجهی برخوردار نیست و اساساً این گروه با نوعی برچسب مطلقه نیز روبرو هستند.

مجله انتشارات در حال ویراستاری

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ابن براج، عبدالعزیز (۱۳۷۰). جواهر الفقه، ص ۱۳۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲. احمد ابن فارس ابن زکریا (۱۳۶۲). معجم مقاییس اللغه، ج ۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. اسماعیلی، مهناز (۱۳۹۰). فلسفه مهریه از منظر فقه و حقوق. تهران، جهاد دانشگاهی، چ ۲.
۴. امامی نمینی، محمود (۱۳۸۶). ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین، مقالات و بررسی‌ها، تهران: نشر میزان.
۵. امامی، اسدالله؛ قاسمزاده، عباس؛ آهنی، بتول؛ عراقی، سیدعزت‌الله؛ حمیدزاده، احمد؛ گرجی، ابوالقاسم؛ برزوئی، عادل، صدیقی، محمود و صفایی، سیدحسن (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی حقوق خانواده. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶. امامی، سید حسن (۱۳۸۴). حقوق مدنی، ج ۴، ص ۴۹۴، تهران، کتابفروشی اسلامی.
۷. امیرمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۸). نظام مالی خانواده، تهران، نشر میزان، چ ۱.
۸. آناهید، فاطمه و علیزاده، حسام (۱۴۰۲). فسخ نکاح و شرایط مهریه در آن، دوازدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.
۹. برارزاده گودرزی، میثم (۱۴۰۲). ماهیت مهریه از دیدگاه اسلام، چهارمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، وکالت و علوم اجتماعی در افق ایران ۱۴۰۴، مشهد.
۱۰. بزرگی، زینب و مطهری راد، ملیحه (۱۳۹۹). تأثیر شرایط صحت معامله بر مهرالمسمی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، کرج.
۱۱. بیرانوند، رضا و کاظمی، سمیه (۱۴۰۲). ابراء مهریه، پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در روانشناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی، تهران.
۱۲. پدرام، متین (۱۳۹۲). تحلیل اقتصادی مهر، تحلیل اقتصادی حقوق خانواده، تهران، دنیای اقتصاد، چ ۱.

۱۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۲). ترمینولوژی حقوق، ذیل واژه مهر. تهران. نظر گنج دانش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، ج ۱۷، قم، اسراء.
۱۵. حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی حقوق آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر جاودانه، ۱۳۹۳.
۱۶. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۷۰). تبصره المتعلمین، ص ۱۴۱، تهران، موسسه چاپ و نشر، چ ۱، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۷. الحلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی) (۱۳۷۳). المختصر النافع، طبعه الثانی، مرکز الطباعة والنشر فی المؤسسة البعثه - قم، ۱۴۱۶ ق، کتاب نکاح.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف، (علامه حلی)، تبصره المتعلمین، ج ۱ و ۲، چ اول، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
۱۹. خفایی، کبری (۱۴۰۲). بررسی فقهی مبانی نفقه و مهریه، دوازدهمین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی، تهران.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۳۳۵، دانشگاه تهران، چ ۱.
۲۱. شبلی، محمد مصطفی (۱۹۷۷). احکام الاسره فی الاسلام، ج ۱، ص ۳۳۹، بیروت، دار النهضه، ۱۹۷۷ م.
۲۲. شرف الدین، حسین (۱۳۸۰). «تبیین جامعه شناختی مهریه» قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ش
۲۳. شفق، غلامرضا (۱۳۸۸). مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، ص ۱۱۰، زلال کوثر، قم، چ ۱.
۲۴. شیخ، آمنه (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی ازدواج و مهریه از دیدگاه امامیه و احناف، دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه، بندرعباس.
۲۵. الصدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (شیخ صدوق) (۱۳۷۰). من لایحضر الفقیه، تحقیق السیدحسن الموسوی الخراسانی، ج ۳، الطبعة الاولى، الناشر دارالکتب الاسلامی، النجف، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. صفایی، حسین و امامی، اسداله (۱۳۸۶). مختصر حقوق خانواده، چ ۱۴، نشر میزان.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۵). المیزان، ج ۴، ص ۲۶۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۴۱۷ ه.ق.

۲۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، (شیخ طوسی) (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن خراسانی، چ ۴، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۳۷۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۱۳، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چ ۲، ۱۴۱۴ هـ ق: «المقصود بعقد النکاح منافع البضع، فیکون المهر فی مقابلها»
۳۰. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۳۸۱). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۸، ص ۱۵۷، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، چ ۱، ۱۴۱۳ هـ ق.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، چ پنجم، نشر میزان.
۳۲. مرادی میرشکاری، ابوطالب و خاکبیز، مهدیه و سهرابی پور، ساناز (۱۴۰۲). برسی مهریه در قانون مدنی، دومین کنگره دانشجویان حقوق، علوم سیاسی و علوم اجتماعی، تهران
۳۳. مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۲). معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا، نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی. نشریه: پژوهشنامه اقتصادی. ۱۳ (۴۸): ۷۷-۴۹.
۳۴. مفید (شیخ مفید)، محمد بن نعمان (۱۳۷۰). رساله فی الهمر، ص ۳، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ ق.
۳۵. موسوی خمینی، سیدروح اله، (امام خمینی ره) (۱۳۹۶). ترجمه تحریرالوسیله، ج ۳، قم، دفترانتشارات اسلامی، بی تا.
۳۶. نظری، ایراندخت (۱۳۷۶). مهر و نقش آن در عقد نکاح. شماره ۸: ۱۵-۸.
۳۷. نظری، حسن آقا. (۱۳۹۵). تبیین چیستی نهاد و استلزامات آن در علوم اجتماعی. روش شناسی علوم انسانی. ۲۲ (۸۶): ۱۵۷-۱۴۳.

منابع انگلیسی

- Anderson, Siwan, (۲۰۰۷). the economics of dowry and brideprice, Journal of economic perspectives, p۱۵۸: ۲۰۰۷.
- Anisimov, A., Eltanskaya, E. and Inshakova, A.O. (۲۰۲۳), "The concept of "non-standard marriages" in the theory of family law in Russia", International Journal of Sociology and Social Policy, Vol. ۴۳ No. ۱/۲, pp. ۲۱۴-۲۲۷.

۳. Belwal, S., Belwal, R. and Al-Hashemi, S.E. (۲۰۲۰), "Family friendly policies and the Omani Labour Law: What it entails for women employees in Oman", Employee Relations, Vol. ۴۲ No. ۲, pp. ۳۱۵-۳۴۸.
۴. Egel, Daniel; Salehi esfahani, Javad, Youth Exclusion in Iran: the state of Education and Employment and Family Formation, Brooking Institution, ۲۰۰۷, pp۳۵-۳۶.
۵. Mendzhul, Maria. (۲۰۲۳). State protection of family rights of internally displaced persons. Uzhhorod National University Herald. Series: Law. ۱. ۱۹۳-۱۹۷. ۱۰.۲۴۱۴۴/۲۳۰۷-۳۳۲۲,۲۰۲۲,۷۵,۱,۳۱.
۶. Riaz Ahmed, (۲۰۱۸) "The impact of flooding on marriage: evidence from Pakistan", Disaster Prevention and Management, Vol. ۲۷ Issue: ۱, pp.۱۱۵-۱۲۸,
۷. Scherpe, Jens & Sloan, Brian. (۲۰۱۴). Contractualisation of Family Law in England and Wales. SSRN Electronic Journal. ۱۰.۲۱۳۹/ssrn.۲۴۸۱۰۹۷.
۸. Shavel, Steven, Foundations of economic analysis of Law, Harvard University Press, ۲۰۰۴, p۹۹.
۹. Steigner, T., Riedy, M.K. and Bauman, A. (۲۰۱۹), "Legal family, cultural dimensions, and FDI", International Journal of Managerial Finance, Vol. ۱۵ No. ۳, pp. ۲۸۵-۳۱۴.

Functionalist analysis of dowry institution in Iranian law and Imami jurisprudence

Azam Bahmani

PhD. Student, Department of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Mehdi Hamzeh Hoyda

Assistant Professor, Nahavand Higher Education Complex, Boali Sina University, Hamadan, Iran (corresponding Author)

aeed Khordmandi

Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Abstract

"Dowry" is an old tradition that a man gives money to his wife or his wife's father during marriage. The payment of dowry by a man to a woman has become an ancient social and customary tradition, which the Islamic Shari'a, while validating and validating, has defined and valued its direction. Dowry has various functions in Imami jurisprudence and Iranian law. Based on this, the present research was conducted with the aim of functionalist analysis of dowry in Imami jurisprudence and Iranian law. In this regard, descriptive-analytical research method and library information collection was used. In this research, the types of dowry in Iranian jurisprudence and law, the nature of dowry in jurisprudence, the conditions of dowry, and the function of dowry in Iranian jurisprudence and law were investigated. The results of the research show that in Imamiyyah jurisprudence, dowry is considered as quasi-compensation and non-compensation. In Iranian law, dowry has the functions of covering the risk of alimony, covering the risk of dissolution of the family-business due to divorce, compensating the loss of the wife's inheritance and the wife's poverty after the death of the husband, covering the risk of loss of love and monopoly, covering the risk of custody of the child(ren), value The spirituality of dowry is considered as respect for the wife and the reward for the wife's activities during marriage.

Keywords: dowry, function, financial institution, ownership, dowry.